



منشورسیاسی جدید حماس؛ سازش یا مقاومت

آیا تأکید بر مقاومت علیه رژیم صهیونیستی می تواند نگاه غربی ها به حماس را تغییر دهد یا اینکه آنها تغییر رویکرد حماس را تغییر مقطعی و تاکتیکی تلقی خواهند کرد؟

به گزارش آرآن نیوز: سید رضا قزوینی غربی در یادداشت روزنامه خراسان نوشت:

منشور سیاسی جدید جنبش حماس موسوم به " سند اصول و سیاست های عمومی " روز گذشته در قطر توسط خالد مشعل که آخرین روزهای ریاست خود بر دفتر سیاسی این جنبش را می گذراند رونمایی شد. هر چند ممکن است که تحولات و تنش های شدید جهانی و منطقه ای باعث شود توجهات بین المللی بر این سند معطوف نشود اما به خودی خود این سند در تحولات داخلی فلسطین می تواند مهم تلقی شود. سند سیاسی ۴۲ ماده ای حماس که نسخه اصلاح شده منشور جنبش از سال ۱۹۸۸ تاکنون به شمار می رود حامل دو محور مورد توجه است. نخست، پذیرش تأسیس دولت مستقل فلسطینی بر پایه مرزهای سال ۱۹۴۷ و دیگری جدایی تشکیلاتی و ساختاری از جنبش جهانی اخوان المسلمین است.

درباره چرایی تدوین سند سیاسی جدید توسط حماس که نگارش و گفتگوهای آن چهار سال به طول انجامید آنچه که روشن است تلاش حماس برای ارائه تصویری جدید و میانه رو از خود به جامعه جهانی و غرب است. خالد مشعل در نشست خبری روز گذشته خود در حاشیه رونمایی از سند گفته بود که امیدوار است این سند باعث تغییر موضع کشورهای اروپایی در برابر حماس شود.

حماس از زمان اخراج از سوریه و سرنگونی دولت اخوانی مرسى در مصر و تروریستی قلمداد شدن اخوان المسلمین توسط قاهره و برخی دیگر از کشورهای، متحمل فشارهای بی شماری شده است. همسویی حماس با اخوان و حرکت این جنبش در ساختار تشکیلاتی اخوان باعث شده این فشارها بیش از پیش شود، علاوه بر اینکه به قدرت رسیدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، نزدیکی قاهره واشنگتن و فرس قرمز حاکمیت های عربی برای ترامپ، عملاً شرایط سیاسی حماس را سخت کرده است. بر همه اینها باید شرایط بغرنج داخلی در نوار غزه را نیز افزود. اوضاع انسانی در این منطقه طاقت فرسا شده است. بحران برق و انرژی و پرداخت نشدن حقوق کارمندان غزه توسط دولت خودگردان در رام ا... و بسته شدن تونل های زیرزمینی غزه به مصر که راه اصلی تأمین مایحتاج مردم این منطقه بود، در حال به وجود آوردن یک بحران انسانی برای اهالی این منطقه است که عواقب وخیم آن می تواند علاوه بر فلسطین، به ضرر جنبش حماس نیز باشد. علاوه بر اینکه به طور منطقی به هیچ وجه نمی توان نقش کشورهای قطر و ترکیه را که حامیان عمده حماس هستند، در نگارش این منشور نادیده گرفت. به خصوص آنکه این دو کشور تلاش می کنند تا روابط دچار تنش شده خود را با واشنگتن بهبود ببخشند و با ایجاد فشار بر حماس برای تغییر در مواضع و رفتارهای خود، به دنبال نزدیکی به واشنگتن و جلب نظر آن در تأمین امنیت اسرائیل و لو به طور نسبی و موقت هستند. مجموعه این شرایط، باعث شد تا حماس برای برون رفت از مشکلات خود، دست به تعدیل منشور خود و تدوین سند راهبردی جدیدی بزند تا بتواند نظر غربی ها را به خود به عنوان گروهی میانه رو که می توان با آن مذاکره کرد جلب کند.

اما آیا حماس در منشور جدید رویکرد خود به مقاومت را کنار گذاشته و به سمت سازش حرکت کرده است؟

برای پاسخ به این پرسش می توان گفت مقایسه تطبیقی دو منشور جنبش حماس (۱۹۸۸ و ۲۰۱۷) نشان از تفاوت آشکار در اهداف این جنبش از آن زمان تاکنون دارد. این تفاوت ها را به طور روشن می توان در نگرش به موجودیت اسرائیل و نوع تعامل با آن، حذف فرهنگ ضدیت با یهودیان و جنگ با آنان، حذف هرگونه ارتباط با اخوان المسلمین، کم رنگ کردن ادبیات جهادی، داخلی کردن رسالت حماس در مبارزه با صهیونیسم و محدود کردن مبارزه میدانی با صهیونیست ها به فلسطینی ها و ... یافت. حماس در حالی در منشور اول خود از ضرورت نابودی اسرائیل می گوید که در سند جدید علی رغم عدم اعتراف به موجودیت رژیم اشغالگر قدس، از آینده دولت صهیونیستی چیزی نمی گوید. همچنانکه ادبیات یهودی ستیزانه منشور اول که دستمایه همیشگی اسرائیل برای تخریب اعتبار مقاومت فلسطین در غرب و نشان دهنده چهره ای تروریستی از آن بوده، این بار جای خود را به ضدیت با صهیونیسم داده و یهودی ستیزی را میراثی بر جای مانده از اروپایی ها معرفی می کند. حماس در سند جدید خود کوچک ترین اشاره ای به جنبش اخوان المسلمین نکرده است.

در حالی که منشور سابق این گروه عملاً مانیفستی اخوانی بوده و سرشار از ادبیات رهبران آن و حتی متون روایی و حدیثی بوده است.

جالب آنکه سند جدید علی رغم اینکه فلسطین را مهم ترین مسأله جهان عرب و مسلمانان بر می شمرد اما بر خلاف منشور نخست که در آن از همه کشورهای اسلامی خواسته تا مرز خود را بر روی مجاهدان باز کنند، این بار در این خصوص سکوت کرده است. علاوه بر اینکه متن سند جدید نشان می دهد رسالت حماس تنها در داخل مرزهای فلسطین تعریف می شود و این جنبش بر خلاف آرمان های اولیه خود، در دیگر نقاط دنیا فعالیتی نخواهد داشت. بررسی سند جدید به تنهایی و فارغ از تفاوت های آن با منشور نخست، عملاً تغییری ماهوی و بنیادین در حماس نشان نمی دهد.

چرا که جنبش حماس همچنان بر فلسطین کامل و بزرگ و ضرورت مبارزه و مقاومت تا آزادی کامل آن تأکید دارد. حتی بر حق

مقاومت در استفاده کامل از انواع ابزارها برای مقاومت علیه صهیونیسم و همچنین توسعه تکنولوژیک سلاح ها نیز تأکید شده است. همین موضوع نیز باعث نگرانی مقامات و تحلیل گران صهیونیست شده است و از دیروز تاکنون، پذیرش دولت فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۸ توسط حماس از یک سو و تأکید جنبش بر فلسطینی دانستن همه سرزمین های اشغالی از رود اردن تا ساحل مدیترانه را نشانی از بازی جدید حماس برای فریب غربی ها و ارائه چهره ای منعطف از خود معرفی کرده اند. هرچند حماس در منشور جدید خود قاطعانه بر موضع مقاومت علیه صهیونیسم تأکید دارد اما این سند دارای ابهاماتی است که اظهارات مقامات حماس بعضاً بر فزونی یافتن این ابهامات می افزاید. مورد اول پذیرش دولتی فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ بدون اعتراف به موجودیت رسمی اسرائیل است.

مشخص نیست که در صورت تأسیس احتمالی چنین دولتی، تکلیف سرزمین های اشغالی ۱۹۴۷ چه خواهد بود. آیا حماس حاکمیت اسرائیل بر آن مناطق را خواهد پذیرفت یا خیر. هر چند در سند به آزادی کامل همه فلسطین تأکید شده اما به روشنی از مرحله پس از تأسیس دولت فلسطینی در مرزهای ۶۷ چیزی گفته نشده است، علاوه بر اینکه اظهارات خالد مشعل درباره مذاکره با اسرائیل می تواند به بروز شائبه کمک کند. مشعل در نشست خبری روز گذشته تنها با مذاکره مستقیم با اسرائیل مخالفت کرد.

او مذاکره با اسرائیل را به طور مطلق نفی نکرد بلکه شرایط فعلی را برای این کار نامناسب دانست. به گفته مشعل مذاکره یک ابزار و وسیله است که حماس به آن به عنوان یک سیاست قابل تغییر می نگرد.

نکته دیگر در رویکرد حماس به اخوان است. هر چند سند جدید نامی از اخوان نمی برد و به گفته مقامات حماس آنها ارتباط تشکیلاتی و اداری خود را با اخوان قطع کرده اند اما گفته مشعل که حماس همچنان به لحاظ فکری تابع اخوان است قابل تأمل است.

به نظر می رسد اکنون که جنبش حماس با صدور سند جدید خود و موضوع مرزهای ۱۹۶۷ راه رفته جنبش فتح در سال ۱۹۸۸ را می رود علاوه بر تلاش برای ارائه چهره جدیدی از خود، به دنبال آن است که عملاً انحصار پذیرش فتح و تشکیلات خودگردان به عنوان طرفی رسمی در معادلات بین المللی را بشکند و با تعدیل بندهای منشور و حذف عبارات مورد اعتراض غربی ها که از آن به عنوان سامی ستیزی یاد می کنند و پذیرش مرزهای ۱۹۶۷، خود را از تحمل فشارهای بیشتر رها کند. اما آیا تفاوت بندهای دو منشور با یکدیگر، اقدامی تاکتیکی از سوی حماس برای ادامه مقاومت با کمترین فشار است یا اینکه این اقدام را نیز باید بخشی از چارچوب رفتارهای متغیر حماس از بحران سوریه تاکنون دانست.

غرب چه واکنشی به این سند نشان خواهد داد؟ آیا تأکید بر مقاومت علیه رژیم صهیونیستی می تواند نگاه غربی ها به حماس را تغییر دهد یا اینکه آنها تغییر رویکرد حماس را تغییر مقطعی و تاکتیکی تلقی خواهند کرد؟ سیاست اسرائیل در برخورد با این موضوع چه خواهد بود؟ و در نهایت اینکه حماس چگونه سند خود را بر روی زمین و میدان عمل پیاده خواهد کرد؟ گذشت زمان همه چیز را مشخص خواهد کرد.